

Investigating the Factors of Strengthening and Stabilizing the Position of the Family and its Effect on the Excellence of the Islamic Society from the Perspective of the Quran and Nahj-al-Balagheh

ARTICLE INFO

Article Type
Research Article

Authors

Mojgan Naderi¹
Seyed Hamid Hosseini^{2*}
Fatemeh Shariati³

How to cite this article

Mojgan Naderi, Seyed Hamid Hosseini, Fatemeh Shariati. Investigating the Factors of Strengthening and Stabilizing the Position of the Family and its Effect on the Excellence of the Islamic Society from the Perspective of the Quran and Nahj-al-Balagheh. *Islamic Life Style*. 2022; 6(3):42-53

1. PhD student, Department of Quran and Hadith, Hamadan Branch, Islamic Azad University, Hamadan, Iran

2. Assistant Professor, Department of Quran and Hadith, Hamadan Branch, Islamic Azad University, Hamadan, Iran. (Corresponding Author).

3. Assistant Professor, Department of Quran and Hadith, Tuysarkan Branch, Islamic Azad University, Tuysarkan, Iran.

* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: Hoseinihamid2@gmail.com

Article History

Received: 2022/04/13

Accepted: 2022/05/24

ABSTRACT

The institution of the family is one of the most important elements of human society and is the basis of different cultures and the cause of happiness or misery of human beings and nations. His way to meet this need and continue to live and achieve perfection and happiness is to live in society. Therefore, man can achieve his goal only in the shadow of social life. If the family is healthy, transcendent and stable, we can hope for a healthy, stable and transcendent society. By examining and pathology of the family in today's world and paying less attention to it, it has inflicted fragile blows on human society and non-observance of the correct principles and principles of family life has caused crimes and corruption in society. When the family is harmed, the presence of family members in society, for socializing and social life, it damages the peace and development of the society and makes the social life of others difficult. The purpose of this study is to investigate the factors of strengthening and stabilizing the position of the family and its impact on the excellence of Islamic society from the perspective of the Qur'an and Nahj al-Balaghah. In this study, the institution of the family and its importance were stated first, and since the present study measures the position of the family in the two perspectives of the Qur'an and Nahj al-Balaghah, it has measured ways to strengthen the family from the perspective of Nahj al-Balaghah and the Qur'an.

Keywords: Strengthening, Family Status, Stabilizing Family Status

بررسی عوامل تقویت و تثبیت جایگاه خانواده و تأثیر آن بر تعالی جامعه اسلامی از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه

مژگان نادری^۱

دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.

سیدحمید حسینی^{۲*}

استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران (نویسنده مسئول).

فاطمه شرعیاتی^۳

استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تویسرکان، دانشگاه آزاد اسلامی، تویسرکان، ایران.

چکیده

نهاد خانواده از مهم‌ترین رکن‌های جامعه انسانی به شمار می‌آید و زمینه‌ساز فرهنگ‌های متفاوت و عامل خوش بختی و یا بدبختی انسان‌ها و ملت‌ها به شمار می‌آید، این نهاد شخصیت انسان را می‌سازد و مهم‌ترین عامل تعالی و پیشرفت جامعه است، از آنجایی که انسان موجودی مدنی است بنابراین تنها راه او جهت رفع این نیاز و ادامه حیات و رسیدن به کمال و سعادت، زندگی در اجتماع است. لذا انسان تنها در سایه زندگی اجتماعی می‌تواند به هدف خود برسد. اگر خانواده سالم و متعالی و استوار باشد، می‌توان به داشتن جامعه‌ای سالم استوار و متعالی امیدوار بود. با بررسی و آسیب‌شناسی خانواده در دنیای امروز و کمتر توجه کردن به آن ضربات شکننده‌ای به جامعه‌ی بشری وارد نموده است و رعایت نکردن اصول و مبانی صحیح زندگی در خانواده باعث جنایات و فساد در جامعه شده است، وقتی خانواده آسیب ببیند حضور افراد این خانواده در جامعه برای معاشرت و زندگی اجتماعی به آرامش و پیشرفت جامعه آسیب وارد می‌کند و زندگی اجتماعی دیگران را با مشکل روبه‌رو می‌کند. هدف پژوهش حاضر بررسی عوامل تقویت و تثبیت جایگاه خانواده و تأثیر آن بر تعالی جامعه اسلامی از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه است. در این تحقیق ابتدا نهاد خانواده و اهمیت آن بیان شد و از آنجایی که تحقیق حاضر جایگاه خانواده را در دو دیدگاه قرآن و نهج البلاغه می‌سنجد راه‌های تقویت و تحکیم خانواده را از منظر نهج البلاغه و قرآن سنجیده است که طبق نتایج، خانواده سبب تعالی جامعه اسلامی می‌گردد.

کلیدواژه: تقویت، جایگاه خانواده، تثبیت جایگاه خانواده

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۰۳

*نویسنده مسئول: Hoseinihamid2@gmail.com

مقدمه

نهاد خانواده از مهم‌ترین رکن‌های جامعه انسانی به شمار می‌آید و زمینه‌ساز فرهنگ‌های متفاوت و عامل خوش بختی و یا بدبختی انسان‌ها و ملت‌ها به شمار می‌آید، این نهاد شخصیت انسان را می‌سازد و مهم‌ترین عامل تعالی و پیشرفت جامعه است. در حقیقت کلید رسیدن به جامعه‌ی سالم یا ناسالم خانواده است اگر خانواده سالم نباشد امکان ندارد آن جامعه سالم باشد. سلامت جامعه در صورتی تأمین می‌گردد که خانواده‌های آن جامعه سالم باشند و سلامت آن جامعه بسته به میزان سلامت خانواده می‌باشد، از این رو مشخص می‌گردد که خانواده و جامعه ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند، به‌طور کلی خانواده سالم، مقتدر و مستحکم باعث ساختن جامعه‌ی سالم و به دور از انحرافات می‌گردد. به همین دلیل اسلام که هدفش برنامه سعادت و تکامل بشر است، عنایت ویژه‌ای به سلامت، رشد و پویایی این نهاد سرنوشت‌ساز دارد. قرآن کریم از به میثاق غلیظ یاد می‌کند و می‌فرماید: **وَأَخَذْنَا مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا** (نسا، ۲۱)

همان‌گونه که پیداست اسلام به‌عنوان مکتبی انسان‌ساز، بیشترین توجه را به والایی خانواده دارد. از این رو، این نهاد مقدس را کانون تربیت می‌شمرد. نیک بختی و بدبختی جامعه انسانی را نیز به صالح و فساد این بنا وابسته می‌داند و هدف از تشکیل خانواده را تأمین نیازهای عاطفی و معنوی انسان از جمله دستیابی به آرامش برمی‌شمارد. قرآن کریم می‌فرماید: **وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ** (روم، ۲۱).

و از نشانه‌های قدرت اوست که برایتان از جنس خودتان همسرانی آفرید. تا به ایشان آرامش یابید و میان شما دوستی و مهربانی نهاد! جامعه‌ای که از خانواده‌های پایبند به اصول اخلاقی برگرفته مفاهیم قرآنی تشکیل شود، جامعه‌ای سالم و به دور از هرگونه فساد اخلاقی و بی‌بندوباری خواهد بود. قرآن ارتباط سالم و صمیمی زوجین را در چارچوب خانواده از ضروریات نیل به کمال فردی و اجتماعی می‌بیند. خانواده، درعین حال که هسته اصلی جامعه را تشکیل می‌دهد؛ تأثیر مستقیمی بر تحولات و رخدادهای جامعه بر جای خواهد داشت. اهمیت معرفی خانواده امام علی (ع) به‌عنوان یک خانواده الگو، سالم و دست‌یافتنی، ضرورت تأمل و تدبیر در این خانواده پر از حکمت و عطف را آشکارتر می‌سازد از آنجایی که انسان موجودی مدنی است بنابراین تنها راه او جهت رفع این نیاز و ادامه حیات و رسیدن به کمال و سعادت، زندگی در اجتماع است. لذا انسان تنها در سایه زندگی اجتماعی می‌تواند به هدف خود برسد، بنابراین تأسیس جامعه‌ای آراسته به فضایل انسانی و به‌دوراز هرگونه اذیت یکی از مشغله‌های بشر است، به‌گونه‌ای که تئوری جامعه‌ای سالم، کامل، فاضله موضوعی است که در بیشتر مکاتب و ایدئولوژی‌ها دینی و غیردینی مطرح بوده است. نظام خانواده کوچک‌ترین واحد اجتماعی است که اساس و زیرساخت واحدهای بزرگ اجتماعی بشر به شمار می‌آید افرادی که در این واحد کوچک اجتماعی می‌شوند و رشد می‌یابند و تربیت می‌شوند به میزان رشد و شکوفایشان سهم در واحدهای اجتماعی بزرگ انسانی دارد، خانواده مهم‌ترین خشت بنای اجتماع است. رابطه‌ی مناسب

در جامعه بر اساس روابط مناسب در خانواده شکل می‌گیرد و هراندازه روابط درون خانواده مناسب‌تر باشد خانواده و به تبع آن جامعه از ثبات و استحکام بیشتری برخوردار است (۱).

و اگر خانواده سالم و متعالی و استوار باشد، می‌توان به داشتن جامعه‌ای سالم استوار و متعالی امیدوار بود. با بررسی و آسیب‌شناسی خانواده در دنیای امروز و کمتر توجه کردن به آن ضربات شکننده- ای به جامعه‌ی بشری وارد نموده است و رعایت نکردن اصول و مبانی صحیح زندگی در خانواده باعث جنایات و فساد در جامعه شده است، وقتی خانواده آسیب ببیند حضور افراد این خانواده در جامعه برای معاشرت و زندگی اجتماعی به آرامش و پیشرفت جامعه آسیب وارد می‌کند و زندگی اجتماعی دیگران را با مشکل روبه‌رو می‌کند (۲).

پس برای سالم‌سازی جامعه اصلاح باید از درون خانواده آغاز شود تا اعضای آن بتوانند به‌عنوان افرادی اندیشمند با گفتار و رفتار درست و منطقی و دینی در اجتماع حاضر شوند و جامعه را از آلوده شدن به انواع زشتی‌ها و گناهان دورنگه دارند. پس بنابراین جامعه‌ی سالم و مطلوب را افرادی مؤمن و متعهد تشکیل می‌دهند که تربیت‌شده‌ی خانواده‌های هستند که از اعتقادات و اخلاق درستی برخوردارند و این جامعه‌ی انسانی و موردنظر قرآن است؛ بنابراین از آنجاکه خانواده مهم‌ترین نهاد جامعه است و منشأ جامعه سالم خانواده‌ی سالم است وارد شدن هر زوالی و هر افقی به این نهاد و کارکردهای آن از امور مهم و شایسته بررسی است. و این تحقیق به عواملی که سبب تقویت و تضعیف خانواده می‌شوند و تأثیری که این عوامل می‌توانند بر جامعه بگذارند از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه می‌پردازد.

پیشینه تحقیق

رسولی تحقیقی تحت عنوان نقش خانواده در گسترش سبک زندگی اسلامی در جامعه انجام داده است (۳).

مرتضوی کتابی تحت عنوان خانواده قرآنی با رویکردی حقوقی، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی نوشته است (۴). فلاح و کرنکور تحقیقی تحت عنوان کارکردهای ازدواج به منزله استدلالی برای اخلاقی بودن ازدواج (رویکرد قرآنی) انجام داده است (۵). ایازی تحقیقی تحت عنوان جامعه‌پذیری در نهاد خانواده بر اساس آموزه‌های قرآنی انجام داده است (۶).

مبانی نظری

تعریف خانواده

خانواده به‌عنوان یک سیستم اجتماعی، شامل گروهی از افراد است که از طریق ازدواج با یکدیگر زندگی می‌کنند. رابطه‌ی اعضای خانواده، رابطه‌ای عمیق و چندلایه است که تاریخچه‌ی مشترک و درونی شده درباری جهان و اهداف مشترک بناشده است عمدتاً بر اساس. در این نظام، افراد توسط علائق و دل‌بستگی‌های عاطفی نیرومند، دیرپا و متقابل با یکدیگر پیوند دارند (۷).

اهمیت نظام خانواده در اسلام

یکی از نهادهای مهم اجتماعی که به لحاظ اهمیت نقش و کارکردهای مختلف موردتوجه علمای مذهبی اخلاقی و صاحب- نظران تعلیم و تربیت جامعه‌شناسی و روانشناسی قرار گرفته نهاد خانواده است. نهادی که با ازدواج یک زن و مرد پدید می‌آید و وجود فرزندان آن را تکمیل می‌کند. خانواده متشکل از افرادی است که از طریق پیوند زناشویی هم‌خونی و یا پذیرش با یکدیگر به‌عنوان زن و شوهر پدر و مادر در ارتباط متقابل‌اند و فرهنگ مشترک پدید آورده‌اند و در واحد خاصی زندگی می‌کنند. در حقیقت تشکیل خانواده در زندگی بشر تفاوت و امتیاز خانواده‌ی انسانی را نسبت به خانواده‌ی حیوانی از این جهت روشن می‌سازد که خانواده‌ی انسانی فقط عهده‌دار وظیفه‌ی زیستی و تولیدمثل و حفظ بقای نوع خود نیست بلکه وظایف تربیتی و فرهنگی برای انتقال فرهنگ آداب‌ورسوم و سنت‌ها ایجاد شرایط مناسب برای کمک به رشد اجتماعی، هوشی و عاطفی، اخلاقی و جسمانی افراد و وظیفه‌ی اقتصادی برای بهبود سطح زندگی اعضا و وظایف دیگری بر عهده دارد. در فرهنگ اسلامی خانواده قداست بسیار بالای دارد قرآن کریم از اهمیت و جایگاه خانواده تحت عناوین مختلفی یاد می‌کند. الف: آیه‌ی از آیات خدا: در این آیه قرآن کریم زن و مرد را از نشانه آرامش همدیگر خوانده است و می‌فرماید: وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (نور، ۲۱).

و از نشانه‌های قدرت اوست که برایتان از جنس خودتان همسرانی آفرید. تا به ایشان آرامش یابید و میان شما دوستی و مهربانی نهاد. در این عبرت‌هایی است برای مردمی که تفکر می‌کنند ب: پیوند محکم: بر اساس دیدگاه اسلام آفرینش زن و مرد از یک خمیرمایه است و بین آن‌ها پیوند و همبستگی وجود دارد که در سایه ازدواج به‌صورت میثاق غلیظ درمی‌آید چنانکه می‌فرماید: وَكَتَبَ تَاخُذُونَهُ وَقَدْ أَقْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا (نسا، ۲۱). و چگونه آن مال را باز پس می‌گیرید و حال آنکه هر یک از شما از دیگری بهره‌مند شده است و زنان از شما پیمانی استوار گرفته‌اند. ج: نجات از فقر و برخورداری از فضل خداوند: برخی از ترس فقر ازدواج نمی‌کنند و تن به تشکیل خانواده نمی‌دهند در صورتی که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید ازدواج کنید و تشکیل خانواده دهید که اگر فقیر باشید خداوند شمارا از فضل خود بی‌نیاز می‌کند و می‌فرماید: وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنَّ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (نور، ۳۲). عزب‌هایتان را و غالمان و کنیزان خود را که شایسته باشند همسر دهید. اگر بینوا باشند خدا به کرم خود توانگرشان خواهد ساخت که خدا گشایش دهنده و داناست.

د: لباس یکدیگر: خداوند زن و مرد را لباس یکدیگر دانسته است و می‌فرماید: هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ (بقره، ۱۸۷).

اهمیت نظام خانواده از منظر نهج البلاغه و قرآن خانواده نخستین محیط مؤثر در شخصیت است که به ساماندهی شاکله تربیتی انسان می‌پردازد. این محیط به دلیل روابط عاطفی، الگودهی و فرهنگ‌سازی در آن، پایدارترین تأثیرات عاطفی، روحی، اخلاقی و رفتاری را در ساختار شخصیت انسان فراهم می‌کند. نقش خانواده در شخصیت‌آدمی در جهات مختلف نقشی اساسی

شمار می‌روند. قرآن کریم می‌فرماید: "وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبثَ الِ يَخْرِجُ الِ نَكَدًا" (اعراف: ۸۵)؛ و سرزمین خوب، گیاه آن به فرمان پروردگارش می‌روید و زمین بد، جز اندک گیاهی از آن پدید نمی‌آید.

پیوند ازدواج شالوده تولید شخصیت‌های نسل بعد است، حضرت در این باره می‌فرماید: "لِكُلِّ عَمَلٍ آتَا وَ كُلُّ نَبَاتٍ لَا غَنَىٰ بِهِ عَنِ الْمَاءِ وَالْمِيَاهُ مُخْتَلَفَةٌ فَمَا طَابَ سَقِيَهُ طَابَ غَرْسُهُ وَ حَلَّتْ ثَمَرَتُهُ وَ مَا خَبثَ سَقِيَهُ خَبثَ غَرْسُهُ وَ أَمَرْتُ ثَمَرَتَهُ" (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۵). هر نهالی که به پاکی نشانده شده و ریشه در آب پاک داشته باشد، پاک می‌ماند و درختی شیرین بار می‌شود؛ اما نهالی که به ناپاکی غرس شود و در آب ناپاک ریشه بدواند درختی ناپاک شده و ثمره تلخ به بار می‌آورد. (۱۰).

عوامل تحکیم و تثبیت خانواده در قرآن عوامل فراوانی در تحکیم بنیان خانواده و سرزندگی آن مؤثرند که در ذیل به مهم‌ترین آن‌ها پرداخته شده است:

۱) حُسن معاشرت، تضمین تحکیم خانواده از ویژگی‌های انسان، تمایل و نیاز او به معاشرت است و از معاشرت، جز محبت دیدن و محبت ورزیدن انتظار ندارد، چراکه خلقت انسان بر اساس عشق و محبت است و همین بهترین انگیزه او در هرگونه تلاشی است. گرچه انسان عموماً در تشخیص عشق حقیقی به بیراهه می‌رود، اما عشق‌های صوری یا حتی باطل هم این خاصیت را دارند که انسان را به تکاپو وادارند و امیدوار و مجذوب کنند. خداوند متعال رفتارها و برخوردهای صحیح انسانی را در خانواده با «حُسن معاشرت» معرفی می‌فرماید و از مرد و زن، رعایت آن را با میزان «معروف»، یعنی رفتاری پسندیده و انسانی می‌خواهد: (...وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَّعْرُوفًا: ... و با آن‌ها سخن شایسته بگویید) (النساء/۵)؛ (...وَعَاشِرُوهُمْ بِالْمَعْرُوفِ: ... و با آنان به گونه‌ی شایسته رفتار کنید...)

نکته قابل توجهی در آیات مربوط به حسن معاشرت مردان با زنان وجود دارد و آن این است که خداوند در مواقع عادی در روابط زن و مرد، اشاره‌ای به حسن معاشرت ندارد؛ بلکه درجایی که کمتر کسی به نیکی رفتار می‌کند و مراقب حکم خدایی است، مثل مرحله‌ی طلاق زن، دوران عده یا گرفتن مهریه‌ی زنان به‌زور و... به تقوی و نیکی در برخورد با زنان سفارش می‌کند. «... واتقوا الله ربکم لاتخرجهن من بیوتهن ولا یخرجن إلا ان یأتین بفحشۃ مبینة...» «تقوای الهی پیشه کنید و هیچ‌گاه همسران و زنان خویش را در ایام عده از خانه بیرون نکنید، مگر آنکه گناه آشکاری مرتکب شده باشند.» (طلاق، ۱)

یا ایها الذین امنوا لایحل لکم ان تراثوا النساء کرها و لاتعضلوهن لتذهبوا ببعض ما ایتیموهن الا ان یأتین بفاحشۃ مبینة و عاشروهن بالمعروف فان کرهتموهن فعیس ان تکرهوا شیئاً و یجعل الله فیہ خیراً کثیراً.» (نساء، ۱۹)

در این آیه نیز معاشرت به معروف، محور بحث و توصیه به مردان در برخورد با زنان است. آیه بیانگر دو نهی و یک امر به مردان است. نهی از به ارث بردن زنان و گرفتن تمام یا بخشی از مهریه‌ی آنان به‌زور و امر به معاشرت به معروف با زنان است. «آیه هم ندا

دارد. خانواده، نحوه مدیریت خانه، بهداشت خانواده، آموزش‌های درون خانوادگی، دیدگاه‌ها و رفتارهای تربیتی، باورها، اعتقادات و ... همه و همه به‌شدت فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد، به‌ویژه آنکه دوران ارتباط‌های خانوادگی طولانی است و به‌خصوص در سال‌های اول زندگی فرد که دامنه این تأثیرات بسیار گسترده‌تر و نفوذشان بسیار بیشتر است. یونگ معتقد است: در مرحله‌ی کودکی، آنچه ممکن است شخصیت کودک خوانده شود چیزی نیست، مگر انعکاس شخصیت والدین او. واضح است که پس‌از آن، والدین نفوذ زیادی بر شکل‌گیری شخصیت کودک اعمال می‌کنند. آن‌ها می‌توانند به‌وسیله شیوه‌ای که نسبت به کودک رفتار می‌کنند، به رشد شخصیت او کمک کنند یا مانع آن شوند (۸).

اهمیت خانواده و نقش آن در جامعه بشری از رهاورد تأمل و تفکر در این دو بعد وجود کودک، آشکار می‌گردد. خانواده یک واحد اجتماعی است که هدف از آن در نگاه قرآن، تأمین سلامت روانی برای سه دسته است: زن و شوهر، پدر و مادر و فرزندان. همچنین هدف، ایجاد آمادگی برای برخورد و رویارویی با پدیده‌های اجتماعی است. در آیه ۷۴ سوره فرقان می‌خوانیم: (والذین یقولون ربنا هب لنا من أزواجنا قرۃً أعین و اجعلنا للمتقین إماماً) و کسانی که می‌گویند خدای ما ما را از همسرانمان نور چشمان ببخش و ما را رهبر پرهیزکاران گردان. این آیه بر اهمیت خانواده و پیش‌آهنگی آن در تشکیل جامعه نمونه انسانی اشاره دارد، چنان‌که پیوندهای سالم و درخشان خانوادگی را ایدئال پرهیزکاران معرفی می‌کند. در درون واحد اجتماعی خانواده پدر و مادر از آغاز تولد کودکان به‌عنوان الگو برای آنان مطرح هستند، نقش و معنای اهمیت خانواده در بهسازی وضعیت بشر نیز در همین واقعیت نهفته است. در نگاه پیشوایان دین، باورها، چگونگی زندگی، عادت‌ها، تمایلات و اهداف والدین از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر کودکان هستند؛ بنابراین نوع رفتار والدین در هماهنگ‌سازی خواست‌ها و تمایلات خودشان از یک‌سو و تمایلات خانوادگی و اجتماعی از سوی دیگر و همچنین تلاش پیوسته آنان برای تأمین رفاه و سلامتی روانی خانواده و نوع برخوردشان با وظایف دینی و اجتماعی از عوامل ایجاد هسته تعاون و همکاری اجتماعی در کودک شمرده می‌شوند. ارزش خانواده پیش از هر چیز بر پایه مودت و دوستی بین اعضای آن استوار است.

علی (ع) در توصیف‌های خود درباره‌ی رسول خدا (ص) به خانواده اشاره فرموده است: "حَتَّى أَفْضَتْ كَرَامَةُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَىٰ إِلَيَّ مُحَمَّدٌ ص فَأَخْرَجَهُ مِنْ أَفْضَلِ الْمَعَادِنِ مُنْتَبِئاً وَ أَعَزَّ الْأَرْوَامَاتِ مَعْرَساً مِنَ الشَّجَرِ الْيَبْدَعِ مِنْهَا أَنْبِيَاءُ وَ انْتَجَبَ مِنْهَا أَمْنَاءُ عِزَّتُهُ خَيْرُ الْعِزِّ وَ أَسْرَتُهُ خَيْرُ الْأَسْرِ وَ شَجَرَتُهُ خَيْرُ الشَّجَرِ" (نهج البلاغه خطبه، ۹۳).

" تا آنکه تشریف بزرگواری از سوی خدای باری به محمد (ص) رسید و او را از بهترین خاندان و گرامی‌ترین دودمان برکشید. از درختی که پیامبران خود را از آن جدا کرد و امینان خویش را برگزید و بیرون آورد. فرزندان او بهترین فرزندانید، خاندانش نیکوترین خاندان و دودمان او بهترین دودمان" خانواده عامل انتقال فرهنگ، تمدن، ادب و سنن است و اهمیت آن همیشگی است و برای دوام و بقای جامعه و تمدن و فرهنگ، راهی جز آن وجود ندارد (۹). خانواده همچون زمینی است که کودکان، گیاهان آن به

این است که بگوید همه مردم - از زن و مرد - از یک تن آفریده شده‌اند.

۴- همکاری و همدردی

همکاری و همدردی با خانواده باید در چارچوب آیین خدا باقی بماند و وسیله فساد، رشوه و غصب حقوق و اشاعه فحشا نگردد. از این رو، نخست از تقوای خدایی سخن گفت و آن را مرکز سازمان و سامان اجتماعی قرارداد، سپس به بیان اهمیت خویشاوندان و نزدیکان پرداخت. تعبیر قرآن در عبارت «تَسَاءَلُونَ بِه» بدین معنی است که خدا مقیاس نهایی و آخری است که می‌توان آن را مرکز تعاون اجتماعی قرارداد. پس هرگاه یکی از دیگری چیزی بخواهد و نداند که آن را برآورده می‌سازد یا نه چگونه می‌تواند به اثبات رساند که آنچه خواهد گفت درست است یا دروغ می‌گوید. در اینجا راهی نیست، جز آنکه به خدا سوگند خورد و ضمیر و فطرت مؤمن او با خداوند مشورت کند و از خود برای خود نگهبانی قرار دهد. جامعه انسانی که از ایمان بهره یافته، می‌تواند میان فرزندان خود بر اساس عدالت و مساوات، تعاون حقیقی ایجاد کند، ولی اگر جامعه ایمان نداشته باشد، هرگونه سازمان و سامان چیزی جز نقشی بر روی کاغذ نخواهد بود که بازیچه دست مردم است؛ همانند تویی در دست بازیکنان (ر.ک: همان: ۱۷). از اینجاست که می‌گوییم باید جامعه اسلامی بر بنیان ایمان و تقوی بنا شود: (...إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا... هر آینه خدا مراقب شماست).

۵- مشاوره با یکدیگر

یکی از عواملی که سبب تفاهم و همکاری اعضای خانواده می‌گردد، وجود روحی مشورت در خانواده است که در عین ایجاد خانواده‌ای مستحکم و صمیمی، بهترین محافظ در برابر مشکلات و موانع زندگی نیز هست. مولی علی (ع) می‌فرماید: «وَلَا ظَهِيرَ كَالْمُشَاوِرَةِ: هیچ پشتیبانی چون مشورت نیست» (نهج البلاغه/ ح ۵۴). در طول تاریخ زندگانی بشر نیز بهترین و مستحکم‌ترین کانون‌های خانوادگی آن‌هایی بوده‌اند که در آن، زن و شوهر و فرزندان با همفکری و همکاری حرکت نموده‌اند. نمونه بارز و برترین الگوی آن در زندگی امام علی (ع) و حضرت زهرا (س) به چشم می‌خورد.

۶- وجود عشق، مهر و محبت میان اعضای خانواده

انسان تشنه دوستی و محبت است. انگیزه بسیاری از تلاش‌ها و زحمات طاقت‌فرسای زندگی، محبت است و وجود آن در خانواده، انسان را به فعالیت و کسب معاش وامی‌دارد. حفظ حرمت و شخصیت دیگران، در گروه احترامی است که در برخوردها از انسان ظاهر می‌گردد. امام صادق (ع) بر کوشش در مهرورزی نسبت به برادران دینی تأکید نموده است و چه نیکوست که این امر از خانواده آغاز گردد: «شایسته است مسلمانان در یاری بر مهر ورزیدن به هم کوشا باشند که خدای عزوجل فرموده است: (رُحَمَاءٌ بَيْنَهُمْ) (۱۲). مهر و محبت اعضای خانواده به هم سبب جلب رضایت و رحمت خدا می‌شود که بدیهی است چنین خانواده‌ای پایدار و سعادتمند است. امام سجاد (ع) در مورد ضرورت مهرورزی به همسران چنین فرمودند: «حق همسرت آن است که بدانی خداوند

است و هم تنبیه، هم اشارت است و هم شهادت و هم حکم یا ندادست. «اینها» تنبیه است؛ «الذین» اشارت است؛ «آمنوا» شهادت است؛ «لا یحل لکم ... کرها» حکم است و بیان حکم آن است که [زنان را] از راه تلبیس و تدلیس برایشان حکم نکنید و قهر نرانید و آنچه شرع نپسندد، از ایشان نخواهید؛ بلکه با ایشان به معروف زندگی کنید. (و عاشروهن بالمعروف، ای بتعلیم الدین و التأدب الاخلاق المسلمین).

توصیه‌ی خداوند به رعایت معاشرت به معروف در مراحل خاص مثل طلاق، حاکی از آن است که در مواقع عادی به طریق اولی مرد باید مراعات معروف را بنماید. معاشرت به معروف، خاص مواضع ذکر شده در آیات نیست؛ بلکه همه رفتارها و برخوردهای مرد نسبت به همسر را شامل می‌شود؛ یعنی مردان باید در هر معاشرتی که با زنان دارند، مراعات معروف و نیاز روحی آنان را بکنند. با توجه به جامع‌نگری و دقت اسلام در روابط زن و مرد در محدوده‌ی خانواده، این حکم الهی (حسن معاشرت) بهترین ضامن اصلاح روابط در خانواده‌ها می‌باشد؛ به شرط آنکه آگاهی و عمل آنان را به همراه داشته باشد.

۲- حکومت نظم و انضباط در میان اعضای خانواده

در قرآن توصیه‌های مکرری به تقوا در تشکیل خانواده شده است، چنان‌که می‌خوانیم: (يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا: ای مردم! از (مخالفت) پروردگارتان بپرهیزید! همان کسی که همه شما را از یک انسان آفرید و همسر او را (نیز) از جنس او خلق کرد و از آن دو، مردان و زنان فراوانی (در روی زمین) منتشر ساخت. نیز از خدایی بپرهیزید که (همگی به عظمت او معترف هستید) و هنگامی که چیزی از یکدیگر می‌خواهید، نام او را می‌برید! (و نیز از قطع رابطه با) خویشاوندان خود پرهیز کنید؛ زیرا خداوند مراقب شماست) (النساء/ ۱).

اسلام در هیچ‌یک از حوزه‌های جامعه خود به هرج و مرج معتقد نیست، بلکه همواره خواستار نظم و انضباط در همه ابعاد فردی یا همگانی است. در واقع، اسلام در تشکیلات خود از رهنمودهای آسمانی مایه می‌گیرد که در آن محدودیت‌های قومی، اقلیمی و یا نژادی و امثال آن وجود ندارد؛ زیرا این رهنمودها را باری تعالی وحی و الهام کرده است.

۳- توجه به یکسانی در آفرینش

از مشخصات اساسی در قانون‌گذاری الهی این است که در این‌گونه قانون‌گذاری قانون از اصل توحید نشأت گرفته است؛ به عبارت دیگر، از ارتفاعی فراتر از همه موانع و قیدوبندهایی که در جوامع انسانی وجود دارد و ما امروز به خوبی درمی‌یابیم که همه گرفتاری‌هایی که بشر بدان دچار شده است و تا به امروز با آن‌ها دست‌به‌گریبان بوده، از همین قیدوبندها پدید آمده است (مانند تعصب‌های نژادی، قومی و اقلیمی و طبقاتی و غیر آن) ما به خوبی دریافته‌ایم که این‌ها موانع و گردنه‌هایی است در راه آدمی که رسیدن او را به سعادت و پیشرفت دشوار می‌نماید (۱۱). از این روست که همه توجه قرآن به

به پدر و مادر است. اینها دستور ویژه قرآن بعد از عبادت خداوند یکتا است.

ب) حق فرزندان بر والدین

در این باره نیز امام سجاد (ع) در رساله حقوق فرمودند: «حق فرزند تو این است که بدانی او از توست و در پسند و ناپسند دنیای زودگذر دنباله روی توست و به درستی که تو در تربیت نیکو و راهنمایی به سوی پروردگارش و یاری رسانی او در درمان پذیری از خداوند نسبت به خویشتن و حق فرزندت پرسیده خواهی شد. پس [اگر وظیفه‌ها را به انجام رسانی]، پاداش گیری و [چون کم کاری کنی]، بازخواست شوی. پس کار فرزندت را چنان کسی که کارش را در این سرای زودگذر با نیکو ثمری بیاراید، انجام بده و در روابط تو و فرزندت به سبب نگهداری خوب و ثمر الهی که از او گرفته‌ای، نزد پروردگار عذرت پذیرفته است.»

ج) وظیفه هر یک از زن و مرد نسبت به کل خانواده

خداوند در قرآن کریم به دنبال اخطار و سرزنش نسبت به بعضی از همسران پیامبر (ص)، خداوند در آیات سوره تحریم روی سخن را به همه مؤمنان کرده، دستورهایی درباره تعلیم و تربیت همسر و فرزندان و خانواده به آنها می‌دهد، نخست می‌فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقْوُدْهَا النَّاسُ وَالْأَجَارَةُ... ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگهاست نگه دارید...) (التحریم/ ۶).

نگهداری خویشتن به ترک معاصی و عدم تسلیم در برابر شهوات سرکش است و نگهداری خانواده به تعلیم، تربیت، امر به معروف، نهی از منکر و فراهم ساختن محیط پاک و خالی از هرگونه آلودگی در فضای خانه و خانواده است. این برنامه‌ای است که باید از نخستین سنگ بنای خانواده، یعنی از مقدمات ازدواج و آنگاه نخستین لحظه تولد فرزند آغاز گردد و در تمام مراحل با برنامه‌ریزی صحیح و با نهایت دقت تعقیب شود؛ به تعبیر دیگر، حق زن و فرزند تنها با تأمین هزینه زندگی، مسکن و تغذیه آنها حاصل نمی‌شود، مهم‌تر از آن، تغذیه روح و جان آنها و به کار گرفتن اصول تعلیم و تربیت صحیح است.

توجه به جایگاه خانواده

درک موقعیت و جایگاه خانواده از سوی اعضا، اولین گام در تنظیم روابط است. هر یک از افراد باید به هدف اصلی خانواده که سکونت اهل آن است، توجه داشته باشد و در جهت تأمین آن تلاش کند و خواسته‌ها و توقعات خود را به سمت آن هدف سوق دهد. نگاه قرآن به خانواده، نگاه به چند نفر که قصد همزیستی زیر یک سقف را دارند، نیست. قرآن، خانواده را نظامی جامع و در مسیر کمال می‌بیند و بالقوه آن را یک مجموعه‌ی متعالی برای تأمین اهدافی مقدس می‌انگارد که برای به فضیلت رساندن آن برنامه‌ریزی می‌کند و جایگاه حقوقی و وظایف افراد را با این ویژگی تعیین می‌نماید.

آیات ذیل به این ویژگی خانواده مؤمن اشاره دارد:

«والذین یقولون ربنا هب لنا من ازواجنا وذریاتنا قره‌اعین واجعلنا للمتقین اماماً» (فرقان، ۷۴) «و کسانی‌اند که می‌گویند، پروردگارا،

عزوجلّ او را مایه سکون و هم‌نشینی تو قرار داده است و باید بدانی که او نعمت خداوند بر توست. پس او را گرامی بدار و با او با رفق و مدارا برخورد نما و هرچند حق تو بر او بیشتر است، اما حق او بر تو این است که با او مهربانی کنی» (۱۳).

علاوه بر همدلی و همراهی تقدّس حق شوهر بر زن چنان والاست که هم‌ردیف شرکت در جهاد فی سبیل الله قرار گرفته، چنان‌که امیر مؤمنان (ع) می‌فرماید: «جَهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ: جهاد زن، نیکو همسراری کردن است» (نهج البلاغه/ ح ۱۳۶).

۷- آشنایی کامل اعضای خانواده با حقوق و وظایف خود

در اینجا یک اصل اساسی است که نظام حقوقی بر آن تأکید دارد و آن اینکه هر جا وظیفه‌ای وجود دارد، در کنار آن حقی هم ثابت است. حق و وظیفه از هم جدا نیستند؛ یعنی هر کس حقی داشته باشد و در مقابل نیز وظیفه‌ای دارد و بالعکس. این موضوع در مورد تمام افراد بشر ثابت است و تنها خداست که حقوقی دارد، اما وظیفه‌ای بر او نیست. در اینجا به انواع حقوق اعضای خانواده و تأثیر آنها در استحکام خانواده به اختصار اشاره می‌گردد:

الف) حق والدین بر فرزندان

امام سجاد (ع) در رساله حقوق خود حق پدر و مادر بر فرزندان را این‌گونه بیان می‌فرماید: «حق مادرت این است که بدانی او تو را حمل کرده، آن‌گونه که کسی کس دیگر را حمل نکند و از شیرۀ جانش تو را خورانده، آن‌گونه که کسی دیگری را نخورانده است و به راستی، او با گوش، چشم، دست، پا، مو، پوست و تمام اندامش تو را نگهداری کرده است و از این نگهداری نیز خشنود و شاد و پیوسته در کار بوده است. حق پدرت این است که بدانی به راستی او ریشه توست و تو شاخه اوئی و چون او نبود، تو نیز نبود. پس هرگاه در خویش چیزی دیدی که پسندیده آمد، آگاه باش که این نکویی در تو ریشه در پدرت دارد؛ بنابراین، خدای را ستایش نما و به اندازه آن نکویی، سپاسش دار، و لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» (۱۳). از اینجاست که انسان درمی‌یابد که چرا خداوند مسأله نیکي به پدر و مادر و شکر زحمات آنها را مقدمه‌ای بر شکر خود شمرده است.

در کتاب آسمانی قرآن، دستور احترام به پدر و مادر پس از مسأله توحید بیان گردیده است و این نشان‌دهنده اهمیت این حکم است. خدای متعال می‌فرماید: (وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُمَّ وَلَا تَنْهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا * وَأَخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِی صَغِيرًا: و پروردگارت فرمان داده که جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکي کنید. هرگاه یکی از آن دو یا هر دوی آنها نزد تو به سن پیری رسند، کمترین اهانت به آنها روا مدار و بر آنها فریاد مزن و گفتار لطیف، سنجیده و بزرگووارانه به آنها بگو * و نیز بالهای تواضع خویش را از محبت و لطف در برابر آنان فرود آر و بگو: پروردگارا! همانگونه که آنها مرا در کوچکی تربیت کردند، ایشان را مشمول رحمت قرار ده) (الإسراء / ۲۴-۲۳).

یکی از عوامل صلح و صفا، آرامش و امنیت و تحکیم روابط در میان اعضای خانواده، احترام، تکریم و احسان به مفهوم قرآنی آن

به ما از همسران و فرزندانمان آن ده که مایه‌ی روشنی چشمان {ما} باشد و ما را بیشوای یرهیز گاران گردان».

خداوند در سوره فرقان، دوازده ویژگی برای عبدالرحمن نام می‌برد. در یازدهمین ویژگی، به توجه خاص مؤمنین به خانواده و فرزندان اشاره می‌نماید. بر طبق آیه مبارکه، آن‌ها تنها به ابراز احساسات اکتفا نمی‌کنند، بلکه برای خانواده خویش دعا می‌کنند. «بدیهی است که منظور این نیست که تنها در گوشه‌ای بنشینند و دعا کنند؛ بلکه دعا دلیل شوق و عشق درونی‌شان به این امر است و رمز تلاش و کوشش. مسلماً چنین افرادی آنچه در توان دارند، در تربیت فرزندان و همسران و آشنایان آن‌ها به اصول و فروع اسلام و راه‌های حق و عدالت، فروگذار نمی‌کنند...» (۱۴) و در پایان آیه که می‌فرماید: «و اجعلنا للمتقين اماماً»، داعی بسیار متعالی برای جمع خانواده می‌کند و نمی‌فرماید: «واجعلنی للمتقين اماماً» و امامت و رهبری امت را برای خود و اهل بیت خود می‌خواهد. به طور مسلم، این دعا خودسازی و آمادگی آنان برای الگو شدن در میان امت را می‌طلبد. در حقیقت، یک مؤمن با یک برنامه‌ی درازمدت، خود و خانواده خود را تربیت می‌کند تا به عالی‌ترین مرتبه از بندگی یعنی جایگاه عبدالرحمن - مؤمنین ممتاز - دست یابند.

«و وصینا الانسان بوالديه احساناً، حملته امه کرهاً و وضعته کرهاً و حمله و فصاله ثلاثون شهراً حتی اذا بلغ اشدّه و بلغ اربعین سنه قال رب اوزعنی ان اشکر نعمتک التي انعمت علیّ و علی والدیّ و ان اعمل صالحاً ترضیه و اصلح لی فی ذریّتی انی تبت الیک و انی من المسلمین.» (احقاف، ۱۵)

آیه‌ی فوق، رابطه‌ی سه نسل با یکدیگر را بیان می‌کند. خداوند انسان را به احسان والدین سفارش می‌کند و برای توجه دادن به فرزند، رنج مادر در سال‌های حمل، زایمان و شیر دادن (سیمه) را یادآور می‌شود تا اینکه نسل دوم به سن ۴۰ سالگی یعنی به سن کمال می‌رسد و از خداوند توفیق شکر نعمت‌های الهی نسبت به خود و والدینش را می‌خواهد و برای فرزندان - نسل سوم - دعا می‌کند که صالح باشند و مورد رضای خالق قرار گیرند. تربیت جامع قرآنی، در این آیه مشهود است. طبق آیه مبارکه، مسلمان باید خود، ریشه خود و نسل بعد از خود را به خداوند وصل کند و از او برای اصلاح همگان کمک بطلبد. این جامعه‌ی مطلوب قرآنی است که در آن پیوستگی نسل‌ها با محوریت عبودیت و خداجویی حفظ می‌شود و هرکس با رشته‌ی محبت و وفا، به دو نسل قبل و بعد خود وابسته می‌شود.

حضرت امام سجاد (ع) در داعی که به یکی از دوستان خود تعلیم داد، فرمود: «ربّ لاتذرنی فرداً و انت خیر الوارثین و اجعل لی من لدنک ولیاً یرثنی فی حیاتی و یرثنی بعد موتی و اجعله لی خلقاً سوياً و لاتجعل للشیطان فیه نصیباً، اللهم انی استغفرک و اتوب الیک، انک انت الغفور الرحیم» (۱۵)، «پروردگارا، مرا تنها مگذار و تو بهترین وارثانی. برای من از جانب خود فرزندی قرار ده که در زندگی وارث من باشد و بعد از مرگم، برایم طلب آموزش کند و او را از نظر خلقت، سالم و هماهنگ گردان و برای شیطان، در او بهره‌ای قرار مده. خدایا! از تو طلب آموزش می‌کنم و به درگاهت توبه می‌نمایم که تو آمرزنده و رحیمی».

در این دعا نیز، مؤمن برای خود و وارثانش از خداوند مغفرت، خلقت نیکو، دوری از شیطان و زیبایی ظاهر و باطن طلب می‌کند. ضروری است که اهل خانه به این پیوستگی عاطفی و الهی توجه داشته باشند و خود را در خدمت اعضا بدانند، نه طلبکار از آنان و چنانکه اشاره شد، خدمت به دیگران، دعا در حق آنان و رعایت اخلاقیات را وظیفه‌ی خود و حق آنان دانسته، نه لطف و مرحمت نسبت به آن‌ها. حاکمیت این فرهنگ قرآنی، به طور مسلم در تحکیم و تحسین روابط خانواده مؤثر خواهد بود.

- دین‌داری و تعهدات الهی خانواده‌ای که قرآن طراحی می‌کند، مکتب و معبدی است که اعضای آن مدارج بندگی را طی می‌کنند و به حیات طیبه راه می‌یابند. افراد در خانواده، علاوه بر تأمین حقوق دنیوی خود نظیر امنیت، آرامش، تغذیه، بهداشت مناسب، تحصیل علوم و... حقوق معنوی خود را نیز جستجو می‌کنند. زن و مرد موظف به ایجاد زمینه‌ی مقتضی و رفع موانع برای دستیابی یکدیگر به این حقوق می‌باشند.

«من عمل صالحاً من ذکر او انثی فلنجیته حیوة طیبه ولنجزینهم اجرهم باحسن ما کانوا یعملون» (نحل، ۹۷)، «از مرد و زن هر کس عملی صالح انجام دهد به شرط ایمان به خدا، ما او را در زندگانی خوش و با سعادت، زنده می‌گردانیم».

خداوند در آیه‌ی فوق شرط رسیدن به حیات طیبه و دخول در بهشت و دریافت اجر اعمال را، ایمان و عمل صالح ذکر می‌فرماید و این دو، تنها در محیطی چون خانواده کسب می‌شود. اسلام، زن و مرد را در کسب حقوق معنوی و کسب خیر و شر به تمام معنی مساوی با یکدیگر می‌داند.

- «کل نفس بما کسبت رهینة» (مذثر، ۳۸)

- «من عمل صالحاً فلنفسه و من اساء فعلیها» (مذثر، ۷۴)

- «والذین یقولون ربنا هب لنا من ازواجنا و ذریاتنا قرهة عین و اجعلنا للمتقین اماماً» (فرقان، ۷۴).

«قره»، از واژه قرار است و منظور از قره‌عین، آرامش دیدگان می‌باشد. چشم انسان در چیزی که خوشایند اوست، آرام می‌گیرد. در این آیه، عبدالرحمن از خداوند درخواست می‌کند که «همسران و فرزندان ما را مایه آرامش چشم ما قرار ده» و از آنجاکه چشم و دل مؤمن جز به رضای حق آرام نمی‌گیرد، نتیجه آیه آن است: «پروردگارا، نسل و اهل خانه‌ی ما را در مسیر خود و مورد رضای خود قرار ده». خلاصه آنکه مؤمنین - عبدالرحمن - علاوه بر انجام مسئولیت خود در قبال تأمین حقوق معنوی خانواده، برای کمال معنوی آنان و رسیدن به رضای حق، دعا نیز می‌کنند. شاید انگیزه برای این خیرخواهی و دعا، این آیه باشد: «والذین امنوا و اتبعتم ذریتهم بایمان الحقنا بهم ذریتهم و ما اتناهم من شیء، کل امرئ بما کسب رهین...» (طور، ۲۱)، «و کسانی که ایمان آورده‌اند و ذریه و اهل ایشان از آنان پیروی کرده‌اند، ذریه آنان را {در بهشت} به ایشان ملحق می‌سازیم و از خودشان هم چیزی کم نمی‌کنیم. هر کسی در گرو کسب و عمل خویش است».

در تفسیر قرطبی، ذیل آیه‌ی فوق از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که فرمود: «خداوند ذریه مؤمن را در بهشت هم درجه‌ی او قرار می‌دهد؛ هرچند آن ذریه از حیث عمل و یاداش از او نازلتر باشند. برای آنکه به وجود ایشان و پیوستگی ایشان، چشم روشن شود».

کاروان‌هایی از افراد منحرف و جنایتکار به‌سوی جامعه سرازیر می‌کند. اگر نیک بنگریم خواهیم دید که آن خانه‌ی گلی و خشتی که علی و فاطمه (صلوات... علیهم) در آن زیسته‌اند و فرزندان‌ی چون جوانان اهل بهشت، امام حسن و امام حسین (علیهم‌السلام) را تربیت نموده‌اند، در سایه‌ی محبت الهی و عطر الفت و پاک‌دامنی بوده که بوی آن هنوز هم انسان‌ها را شیفته‌ی خود می‌سازد. پس محبت مانند آبی است که به گیاه می‌رسد، اگر نباشد گیاه می‌خشکد و اگر بیش از حد شود ریشه گیاه می‌گندد و خراب می‌شود و گیاه می‌خشکد.

قرآن کریم محبت نسبت به یکدیگر را این‌گونه سفارش می‌نماید: *إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا*؛ آنان که ایمان آورده‌اند و شایسته‌ها انجام داده‌اند خداوند بخشایشگر برایشان دوستی قرار می‌دهد؛ و یا در آیه‌ی دیگر به محبت و علاقه بین همسران تأکید شده است. «*وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً*؛ در میان شما با همسرانتان دوستی قرار داد و مهر افکند»؛ و به قول مولانا جلال‌الدین رومی؛
از محبت تلخ‌ها شیرین شود از محبت مس‌ها زرین شود.

۳- ابراز و اظهار علاقه در خانواده

صفای زندگی به حاکمیت عشق و علاقه بر محیط زندگی و معاشرت است و اگر دوستی و علاقه نباشد، زندگی جهنمی سوزان و فضایی سرد و بی‌روح خواهد شد. ابراز عشق و محبت در محیط خانواده میان زن و مرد و نیز نسبت به فرزندان‌شان خانه را به بهشت تبدیل می‌کند.

چه دوزخ‌های سوزانی که کمبود محبت و عاطفه فرزندان از جانب والدین است و حسرت شنیدن عزیزم، دل‌بندم، تو را دوست دارم و... سال‌ها بر دل کودکان می‌ماند و گرفتار عقده کمبود محبت می‌شوند. اگر اظهار علاقه در خانواده بنا به هر دلیل و توجیهی ترک شود، بایستی خود را آماده روئیدن علف‌های هرز در کنار گل زندگی نمود. پس سخنان زشت و نیش‌دار، عیب‌جویی‌ها و ظن و گمان‌های ناروا در مورد یکدیگر بازارش گرم خواهد شد.

ما در سیره و رفتار خانواده امام علی (ع) طبق آنچه از تاریخ و روایات در دست داریم حتی یک مورد هم سراغ نداریم که رفتارها و برخوردها از مدار محبت و علاقه و آن چیزی که مرضی خداوند است، خارج‌شده باشد. وجود حضرت زهرا (س) به قدری برای حضرت علی (ع) مایه آرامش و خشنودی بود که امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: «*وَلَقَدْ كُنْتُ أَنْظُرُ إِلَيْهَا فَتَنَكَّشِفُ عَنِّي الْهَمُّومُ وَالْأَحْزَانُ*؛ من که به چهره زهرا نگاه می‌کردم، همین نگاه هر گونه غم و اندوه را از من بر طرف می‌نمود».

۴- دینداری و پایبندی به تعهدات اخلاقی و اعتقادی

برای یک زندگی سالم و با آرامش رعایت تناسب از نظر ارزش‌های اخلاقی و اعتقادی امری مسلم است. چنانکه تقریباً اکثر افراد با انتخاب لباس خاص با توجه به آیه *هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ*؛ در واقع نوع بینش و طرز تفکر خود را بروز و آشکار می‌سازند و در صورت عدم تناسب باعث احساس نامطلوب و مشکلات فراوانی را با خود به همراه خواهد داشت. مولا علی (ع) در همین زمینه می‌فرماید:

در قرآن کریم از خیرخواهی، نصیحت و دعای والدین برای فرزندان، شواهد دیگری است؛ نظیر نصایح لقمان به فرزندش که در طی پنج نصیحت عمده، وی را به توحید و دوری از شرک، حسن خلق، نماز، امر به معروف و نهی از منکر، صبر و شکیبایی و میانه‌روی توصیه می‌کند و از تکبر، خودپسندی، فقر و مباحثات به دیگران منع می‌کند و درخواست حضرت نوح برای یسرش که خداوند او را به خویش ملحق گرداند: «*و نادی نوح ربه فقال رب ان ابنی من اهلی و ان وعدک الحق و انت احکم الحاکمین*». (هود، ۴۵) اما از آنجاکه پسر نوح غیر صالح بود و از اهل او حساب نمی‌شد، پاسخ شنید: «*انه لیس من اهلیک انه عمل غیر صالح فلا تسألن ما لیس لک به علم*». (هود، ۴۶)

یدر مورد تأیید قرآن که به‌عنوان الگوی والدین معرفی می‌شود، حضرت زکریاست که فرزندی موحد و حکیم چون یحیی دارد و قرآن او را به‌عنوان فرزندی نیکوکار نسبت به والدین و پرهیزکار و دور از ستمگری و عصیان می‌ستاید و به او سلام می‌گوید. «*و برأ بوالدیه و لم یکن جباراً عصیاً و سلام علیه یوم ولد و...*» (مریم، ۱۵-۱۴) و مریم مادر نمونه‌ای که فرزندی چون عیسی به دنیا می‌آورد و خداوند فرزندش را به نیکی به مادر توصیه می‌کند: «*و اوصانی بالصلوة و الزکوة مادمت حیا و برأ بوالدتی و لم یجعلنی جباراً شقیاً*». (مریم، ۳۲-۳۱)

تحکیم خانواده از منظر نهج البلاغه

۱- تعاون و همکاری و تقسیم کار

در یک خانواده منسجم، پویا و اعتدال‌گرا هر یک از اعضا در کارها و رفع سختی‌ها و مشکلات باهم دیگر مشارکت و همکاری دارند. ضروری‌ترین عامل در استواری هر کانون انسانی، (تقسیم کار) است و در تعیین چگونگی تقسیم کار، بیش از هر چیز می‌باید به استعدادهای تکوینی مرد و زن نظر داشت و چنین دقت نظری بدون بهره‌گیری از افق برتر و وحی امکان‌پذیر نخواهد بود. از سویی علی بن ابی‌طالب (ع) در خانه با همسرش زهرا (س) همکاری می‌کرد. کارخانه را زهرا به اختیار خودش انتخاب کرده و علی (ع) به او تحمیل نمی‌کند. در عین حال علی (ع) می‌خواهد فشاری بر همسر عزیزش وارد نیاید و در کارها به او کمک می‌کند.

هنگامی که رسول خدا (ص) پیشنهاد تقسیم کار در منزل امام علی (ع) را می‌دهند، حضرت فاطمه (س) مسرور شده و رضایت خویش را این‌گونه ابراز می‌نمایند: «*فَلَا یَعْلَمُ مَا دَاخَلَنِي مِنَ السُّرُورِ إِلَّا اللَّهُ يَا كَفَّائِي رَسُولُ اللَّهِ ص تَحْمَلُ رِقَابَ الرَّجَالِ*؛ جز خدا کسی نمی‌داند که از این تقسیم کار [کار منزل برعهده زهرا (س) و تدبیر امور بیرون برعهده علی (ع)] تا چه اندازه مسرور و خوشحال شدم، چرا که رسول خدا مرا از انجام کارهایی که مربوط به مردان است، بازداشت».

۲- پراکندگی محبت

خانه‌ای که جو حاکم بر آن سرشار از محبت، عاطفه، تفاهم، آرامش و احترام باشد، افراد متعادل و باشخصیت رشد یافته‌ای، سر برمی‌آورند؛ اما خانه‌ای که روح فرزندان خود را از کینه‌توزی، تغذیه می‌کند که اساس آن‌ها ترس و خشم است. چنین خانواده‌ای

فرمایند: «عَلَيْكُمْ بِالصَّفِيقِ مِنَ الثَّيَابِ فَإِنَّهُ مَنْ رَقَّ ثَوْبُهُ رَقَّ دِينُهُ؛ بر شما باد پوشیدن لباس های ضخیم، زیرا کسی که جامه اش نازک باشد، دینش نازک شود.» از این رو عدم تناسب بین فرد و همسر او که همچون لباس دائمی است مشکلات روانی و نیز زمینه انحراف فکری و اعتقادی را به دنبال خواهد داشت؛ بنابراین پیشوایان دینی بحث کفویت زن و مرد را مطرح کرده اند.

۵- عدالت در خانواده

دین اسلام بر رعایت مساوات و عدالت در خانواده، تأکید فراوانی نموده و از هرگونه تبعیض و امتیاز بیجا به برخی یا یکی از فرزندان به شدت منع نموده است. همچنین از تبعیض بین دو جنس دختر و پسر و محبت بیش از اندازه به پسران که ریشه در عصر جاهلیت داشت، پدر و مادر را تنبه می دهد. امام علی (ع) می فرمایند: «ان النبی «صلی الله علیه و اله» ابصر رجلا له ولدان فقتل احدهما و ترک الآخر. فقال رسول الله (ص): فهلا و اسیت بینهما؛ پیامبر (ص) کسی را دید که دو فرزند داشت. یکی را بوسید و دیگری را رها کرد [در این هنگام] پیامبر خدا [به وی] فرمود: «چرا میان آنان یکسان عمل نکردی؟!» با توجه به این حدیث نورانی، عدالت ورزی حتی در محبت و بوسیدن فرزندان بایستی رعایت شود تا مانع از حسادت و کینه ورزی آنان نسبت به هم شویم.

۶- گفت و گوی صمیمی

در خانواده های صمیمی و موفق، همواره بستر لازم برای گفت و گوی شاد و جذاب فراهم است. نگرش مثبت به مسائل، دادن فرصت اظهار بیان برای تک تک اعضای خانواده و رعایت اصل مهارت گوش دادن بدون قضاوت و پیشداوری و ارزیابی سریع، سبب رشد و احساس هویت و شخصیت خانواده را به دنبال دارد. متأسفانه با همه گیر شدن تکنولوژی و فناوری، از جمله اینترنت و ماهواره و ... ارتباط کلامی خانواده ها به کمترین حد خود نزدیک می شود و به عبارتی بهتر خانواده از یک فضای صمیمی، ارتباط نزدیک، تبادل افکار و حل مشکلات به سپری کردن اوقات در زیر یک سقف مبدل گشته است؛ بنابراین صحبت کردن با چهره بشاش موجب می شود تا رایحه دل انگیز دوستی، فضا و محیط خانه و خانواده را معطر گرداند؛ و امام متقیان علی (ع) می فرمایند: «أَجْمَلُوا فِي الْخُطَابِ تَسْمَعُوا جَمِيلَ الْجَوَابِ؛ زیبا خطاب کنید تا جواب زیبا بشنوید»

۷- آموزش و افزایش اطلاعات در خانواده

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در قالب وصایای خود و در فرآیند آموزش فرزند جوان خویش به امام حسن مجتبی (ع) در نامه ۳۱ نهج البلاغه که مشتمل بر سفارش های ناب و ظریف و نکات اخلاقی- تربیتی است، به تبیین و تصویر درست رابطه بین پدر که یکی از ارکان مهم تشکیل دهنده خانواده است با فرزندان که میوه دل و گل خوشبو خانواده هستند، می بردارد؛ بنابراین به موارد کلیدی که از سوی والدین باید به فرزندان منتقل شود را، اجمالاً اشاره می کنیم. امام می فرمایند: «وَأَنْ أُبَدِّكَ بِتَعْلِيمِ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ تَأْوِيلِهِ وَ شَرَائِعِ الْإِسْلَامِ وَ أَحْكَامِهِ وَ حَلَالِهِ وَ حَرَامِهِ ...»

ابتدا خواستم (تربیت) تو را به تعلیم کتاب خداوند و بیان آن و مقررات و احکام اسلام و حلال و حرام آن آغاز کنم». از این رو هر معلم و مربی و یا هر پدر مهربانی که واقعاً دلسوز فرزند خود باشد، در قدم نخست و قبل از آلوده شدن دل و درون، باید حقایق دین را به فرزند خود بیاموزد و گرنه اگر تعلل نموده و این مهم را به تأخیر بیندازد، دل جوان به عقاید انحرافی آلوده می شود و اصلاح کردن وی، زحمتی دو چندان می طلبد.

الف. کلیدهای اساسی آموزش در نامه ۳۱

اگر محورهای عمده سفارش های امام علی (ع) را در مورد آموزش فرزند جوان خویش (امام مجتبی) مورد مذاقه قراردهیم، به این نکات کلی زیر می رسیم:

۱. موانع و آفت دوستی (لَا خَيْرَ فِي مُعِينٍ مَهِينٍ وَلَا فِي صَدِيقٍ ظَنِينٍ)
۲. علت تأخیر اجابت دعاها (لِيَكُونَ ذَلِكَ أَكْثَمَ لِأَجْرِ السَّائِلِ) ۳.
- تسویف، آفت موفقیت و مغتنم شمردن فرصت ها (بَادِرِ الْفُرْصَةَ قَبْلَ أَنْ تَكُونَ غَصْبَهُ) ۴. احترام به اقوام و خویشان (وَ أَكْرَمِ عَشِيرَتِكَ)
۵. عدم اعتماد به آرزوها (وَ الْإِتِّكَالَ عَلَى الْمُنَى فَإِنَّهَا بَصَائِعُ النَّوْكَى)
۶. باز بودن باب توبه (و فتح لك باب المتاب) ۷. راه های مقابله با مشکلات (فَأَحْتَمِلُوا وَعْتَاءَ الطَّرِيقِ وَفِرَاقَ الصَّدِيقِ) ۸. راه تقویت دل (احی قلبك بالموعظه و ...) ۹. شرایط تحصیل علم (وَ اعْلَمْ أَنَّهُ لَا خَيْرَ فِي عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ) ۱۰. مسئولیت به قدر توان. (فَلَا تَحْمِلَنَّ عَلَى ظَهْرِكَ فَوْقَ طَاقَتِكَ)

ب. افراط و تفریط در آموزش فرزندان

امروزه اکثر خانواده ها در مسئله آموزش و تربیت فرزندان کودک و جوان خویش با سر در گمی و افراط و تفریط مواجه هستند. خانواده ها فکر می کنند هرچه امکانات و وسایل رفاه فرزندان را بر آورده سازند، فرزندان شایسته و نیکو خواهند داشت، اما این خیال آن ها مدت زیادی دوام نمی آورد و با چشم خویش نظاره گر طغیان و انحراف آن ها هستند؛ بنابراین با تاسی به سفارش های نورانی و حکیمانه ی امام متقیان علی (ع) زمینه را برای شکوفایی گل های زندگیمان فراهم سازیم.

۸- توجه به ظرایف روحیات همسر

زن و مرد در کانون گرم خانواده با درک روحیات یکدیگر می توانند مسیر پر پیچ و خم زندگانی را با آرامش و زندگی پشت سر بگذارند و در این مسیر درک و توجه به روحیات ظریف زن از جایگاه ویژه ای برخوردار است؛ بنابراین هر کلمه، گفتار و حرکت، در بر دارنده بار عاطفی و روانی خاصی است که تاثیر مثبت و منفی مستقیمی می تواند ایجاد نماید. از این رو همسر خانواده دوست دارد در ارتباط با او صحبت محترمانه با عواطف سرشار از محبت و احترام درخ و ورزیده نشود. شوهر باید به همسرش از این منظر که او امانت الهی است و فردی مستعد کمال، پیشرفت و تحول در عرصه زندگی است به او بنگرد. امام علی (ع) در شأن حضرت زهرا (س) و رضایت از او می فرمایند: «قَوَّ اللَّهُ مَا أَغْضَبْتَهَا وَلَا أَكْرَهْتَهَا عَلَى أَمْرٍ حَتَّى قَبِضَهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَلَا أَغْضَبْتَنِي وَلَا عَصَبْتُ لِي أَمْرًا؛ سوگند به خدا من زهرا را تا هنگامی که خداوند او را به سمت خود برد خشمگین نکردم در هیچ کاری

موجب ناخشنودی او نشدم، او نیز مرا خشمگین نکرد و هیچ گاه مرا نافرمانی نکرد».

۹- سازگاری

سازگاری عبارت از اینکه زوجین با کم و زیاد هم از حیث های گوناگون بسازند و با رفاقت و همدلی کمبودهای یکدیگر را برطرف نمایند. پس برای داشتن یک زندگی به دور از تنش و یرخاش باید از موشکافی عیوب و ایرادهای احتمالی همدیگر و به رخ کشیدن آن‌ها جدا اجتناب کنند و عیب پوشی و سازگاری را سر لوحه ی زندگی قرار دهند. همچنین زن و مرد بایستی مصلحت زندگی شان را بر منفعت شخصی ترجیح دهند و از آن بالاتر مصلحت زندگی خودشان را به خاطر دخالت اطرافیان یایمال نمایند. امام علی (ع) در مورد: «الزَّوْجَةُ الْمَوْافِقَةُ إِحْدَى الرَّاحَتَيْنِ؛ زن سازگار یکی از دو آسایش است

۱۰- پرهیز از تقاضاهای نامقدور

امروزه یکی از مشکلات رایج در خانواده ها این است که امکانات زندگی خودشان را با وسایل و امکانات زندگی دیگران مقایسه می کنند در نتیجه انتظار و توقع شان بیشتر از توان مالی همسرشان می شود و این مسئله موجب احساس سرشکستگی و عدم لذت بردن از زندگانی خود می شود. از این رو زمینه و ریشه بسیاری از درگیری-ها و نزاع ها در محیط خانواده ناشی از چشم هم چشمی هاست. از جمله ضررهای تقاضاهای نامقدور در کانون خانواده عدم تعادل مالی است که موجبات قرض، ربا، اقساط با مبالغ درشت و ناتوانی در پرداخت آن را به خانواده تحمیل می کند. حضرت علی (ع) در همین مورد می فرمایند: «كَثْرَةُ السُّؤَالِ تُورِثُ الْمَمَالِ؛ در خواست زیاد، ملال به بار می آورد».

۱۱- تشویق و ترغیب

خصلت تشویق و ترغیب در خانواده یکی از مهم ترین رموز رشد، نشاط، هم افزایی و تحکیم آن را در پی دارد. گاه چنان فضای تحقیر، تنبیه و سرزنش در خانواده پیدا می شود که جرأت اظهار نظر کردن و تکاپو را از اعضای خانواده می گیرد و گاه چنان تشویق های بی مورد و بیجا صورت می گیرد که سبب توقعات بیش از حد می شود. از این رو جایگاه تشویق در خانواده ها بسیار مغتنم است که متأسفانه مورد غفلت و بی توجهی قرار می گیرد. امام علی (ع) در عهد نامه ای که به مالک اشتر نخطی نوشتند، او را به ارزش گذاری و بهاء دادن به نیکان صالح فرمان دادند: «لَا يَكُونَنَّ الْمُحْسِنُ وَالْمُسِيءُ عِنْدَكَ بِمَنْزِلَةِ سَوَاءٍ- فَإِنَّ فِي ذَلِكَ تَزْهِيْدًا لِأَهْلِ الْإِحْسَانِ فِي الْإِحْسَانِ- وَ تَذَرِيْبًا لِأَهْلِ الْإِسَاءَةِ؛ هرگز نیکو کار و بد کار نزد تو یکسان و در یک جایگاه نباشند، چرا که در این کار، بی رغبتی نیکوکاران در امر نیکوکاری است و ورزیدگی و شوق بد کاران برای بدی است».

۱۲- هنر گوش دادن

برای یک زندگی موفق، امر حیاتی است که زن و مرد به حرف های هم گوش جان بسپارند. در واقع با گوش دادن به حرف

همدیگر، اهمیت و ضرورت طرف مقابل در زندگی را گوشزد می نماید. متأسفانه غالباً افراد دوست دارند متکلم وحده باشند و غافل از این نکته هستند که گوش دادن همراه با سکوت به عنوان یک هنر و مهارت تلقی می شود. مولای متقیان علی (ع) می فرمایند: «عَوْدٌ أَدْنَكَ حُسْنَ الْإِسْتِمَاعِ وَ لَا تَصْغُرُ إِلَيَّ مَا لَا يَزِيدُ فِي صَلَاحِكَ اسْتِمَاعُهُ گوش خود را به شنیدن عادت بده و به سخنانی که بر اصلاح و پاکی تو چیزی نمی افزاید گوش فرامده».

۱۳- پاسخ مثبت به خواسته های جنسی همسر

یکی از نکات مهم در تحکیم و ثبات بنیان خانواده بر آورده شدن صحیح نیاز جنسی زن و مرد است. شاید علت ینهان بسیاری از طلاق ها، خیانت ها و اختلافات ریشه در عدم پاسخ درست به این غریزه است. امام علی (ع) در کلام حکیمانه ای می فرمایند: «إِذَا رَأَى أَحَدَكُمُ امْرَأَةً تُعْجِبُهُ فَلْيَأْتِ أَهْلَهُ فَإِنَّ عِنْدَ أَهْلِهِ مِثْلَ مَا رَأَى وَ لَا يَجْعَلَنَّ لِلشَّيْطَانِ إِلَيَّ قَلْبَهُ سَبِيْلًا وَ لِيَصْرِفَ بَصَرَهُ عَنْهَا هر گاه فردی از شما زنی (زیبا) را دید که او را به شگفتی وا داشت، به نزد همسر خود برود؛ چرا که همسر او نیز مثل همین خصوصیات را داراست. پس اجازه نفوذ شیطان را به قلب خویش ندهد تا چشم خود را از آن زن بر گرداند».

۱۴- عدم سوء ظن و غیرت بی مورد نسبت به همسر

معمولاً چنانچه هر صفت و رفتار درست به اندازه و در جایش مورد استفاده قرار نگیرد؛ به صورت معکوس عمل خواهد کرد؛ یعنی اصل غیرت که در نهاد مرد از سوی پروردگار متعال به ودیعه گذاشته شده، صفتی برین است اما اگر این صفت دچار نوسان و افراط و تفریط شود؛ می تواند سبب بحران و اختلاف در خانواده شود. از این رو داشتن سوء ظن بیجا نسبت به همسر در رفت و آمدهای فامیلی و فعالیت های اجتماعی باعث خواهد شد تا کانون گرم خانواده به دریاچه یخ تبدیل گردد؛ بنابراین آزادی های مشروع زن پایمال شده و محبت و صمیمیت رخت بر بسته و تلخکامی، شکوه و اعتراض جایگزین خواهد شد. حضرت می فرمایند: «إِيَّاكَ وَ التَّغَايُرَ فِي غَيْرِ مَوْضِعِ الْغَيْرَةِ- فَإِنَّ ذَلِكَ يَدْعُو الصَّحِيْحَةَ مِنْهُنَّ إِلَى السُّقْمِ وَ لَكِنْ أَحْكِمُ أَمْرَهُنَّ بِبِرْهِيزٍ كه غیرت نابجا، زن سالم را به بیماری می کشاند و پاکدامن را به بدگمانی (و اندیشه گنجهکاری) درباره آن محکم کارکن».

۱۵- صبر و تحمل یکدیگر

یکی از بستر ها و لوازم داشتن زندگی توام با آرامش و محبت، به کار گیری صبر و تحمل طول زندگی است؛ بنابراین با فهم این نکته که غیر از حضرات معصومین (علیهم السلام) اکثر ما انسان ها دچار لغزش و خطا می شویم، زمینه را برای اغماض و چشم پوشی از لغزش های احتمالی فراهم می نماید. همچنین زن و مرد با همفکری و سنجیدن تمام جوانب مسائل و مشکلاتشان از هر گونه تکروی و خود کامگی و استبداد رای باید اجتناب نمایند. زندگی بدون صبر و تحمل همچون حبابی در هواست و عامل ورزیدگی و یختگی زن و مرد در اثر رعایت این مسئله است. امام در فرمایشی جمیل می فرمایند: «الصَّبْرُ أَحْسَنُ خَلَلٍ [خُلِّلَ] الْأَيْمَانِ وَ أَشْرَفُ خَلَائِقِ الْإِنْسَانِ؛ صبر نیکوترین خصلت ایمان و ارجمندترین خوی انسان است».

۱۶- هم پوشانی عیوب یکدیگر

انسان‌ها برای محفوظ ماندن از سردی و گرمی هوا نیاز به لباس دارند. همچنین برای در امان ماندن از آسیب‌های روحی و جسمی، زن و مرد به همدیگر به عنوان یوشش و عایق در برابر آسیب‌ها نیازمند هستند. آن امام همام می‌فرماید: "اسْتُرْ عَوْرَةَ أَخِيكَ لِمَا تَعَلَّمَهُ فَيْك؛ گناه و لغزش برادرت را ببوشان، چون آن را در خودت نیز سراغ داری"

نقش خانواده در سلامت اجتماع

خانواده رکن اساسی اجتماع و زیربنای تربیت، اخلاق، آداب و سنن جامعه و به عنوان بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی محسوب می‌شود که در اسلام از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. با نگاهی به آیات و احادیث نیک می‌بینیم که هیچ نکته‌ای در بحث خانواده نادیده انگاشته نشده است، از انتخاب همسر، ازدواج، آداب تربیت، پرورش و تعلیم کودکان تا روابط و حقوق زوجین به یکدیگر، روابط و حقوق پدر و مادر با فرزندان همه و همه در اسلام مورد تأکید فراوان قرار گرفته تا هسته اولیه و کانون اصلی جامعه هر چه سالمتر، مستحکمتر، عاطفی‌تر و موفق‌تر تشکیل شود، از همین روی اسلام، توصیه‌ها، مقررات و ضوابط روشنی را برای تشکیل خانواده و اداره آن ارائه کرده است. بدیهی است جامعه‌ای که از چنین خانواده‌هایی تشکیل می‌شود در همه مسائل، پیشرفت کرده و موفقیت چشمگیری به دست می‌آورد و مشکلات معمول در جوامعی که نهاد خانواده در آن‌ها سست است، بوجود نمی‌آید.

موفقیت و استحکام خانواده موجب موفقیت و توسعه جامعه و در مقابل ناکامی و تزلزل خانواده موجب معضلات و بحران‌های اجتماعی می‌شود، چنانچه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز با تأکید بر اهمیت خانواده در اصل دهم چنین آورده است: "از آنجایی که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط، باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد." اما متأسفانه امروز عوامل مختلفی استحکام خانواده‌ها را در معرض خطر قرار داده است، ناآگاهی زوجین نسبت به حقوق و تکالیف یکدیگر و شیوه تعامل با هم عدم آگاهی والدین از فنون و تکنیک‌های تربیت فرزندان، ناآگاهی فرزندان به ویژه نوجوانان و جوانان نسبت به نحوه برخورد با والدین و تکالیف خود، اشتغال گسترده و بعضاً غیر ضروری بسیاری از مادران و در نتیجه کاهش امکان نظارت بر فرزندان و رسیدگی به تربیت آنها، تأکید بیش از حد بر آزادی‌های نوجوانان و جوانان و بی‌توجهی به تکالیف و مسئولیت آنان، عدم دقت لازم در انتخاب همسر، بیکاری جوانان، ترویج فرهنگ غربی مبنی بر اصالت فرد و زندگی فردی و غیره همگی عواملی است که بروز و ظهور آن‌ها از خانواده نشأت می‌گیرد.

حال آن که اسلام از همان ابتدا ریشه‌های تمامی خوبی‌ها و بدی‌ها را در خانواده جستجو می‌کند، تکوین فرزند و رشد و تعالی او را در دامن پاک مادر و در سایه تربیت اسلامی پدر قرار می‌دهد و رویکردی سلیم و بی‌آلایش را در خانواده منحصر می‌داند. از منظر اسلام این کانون خانواده است که با تحکیم خود جامعه‌ای مستحکم و سالم را می‌سازد، می‌دانیم خانواده ما نمونه کوچک

جامعه ما است، بود و نبوده‌ها، باید‌ها و نبایدها از خانواده وارد اجتماع می‌شوند. اگر در خانواده هر یک از والدین و فرزندان خوبی و زشتی را بخوبی شناخته و راهکار مواجهه و مقابله با آن‌ها را آموزش دیده و یاد بگیرند هنگام ورود به صحنه آزمون اجتماع نه تنها دچار سردرگمی و تعارض نشده بلکه به راحتی از فراز و نشیب‌های این آزمون گذشته و نه تنها خود به سلامت از حوادث می‌گذرند که می‌توانند برای دیگران نیز ناجی باشند؛ اما در نقطه مقابل، عدم آموزش و تربیت مناسب در خانواده نتیجه‌ای جز وجود ناهنجاری در اجتماع ندارد، خانواده‌ای که والدین و فرزندان کوچکترین ارتباط عاطفی با یکدیگر ندارند و کمبودها و ناملایمات درونی خود را در اجتماع جستجو می‌کنند نتیجه‌ای جز ناهنجاری در جامعه بجای نمی‌گذارند (۱۶).

نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نهاد خانواده به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین ارکان جامعه‌ی بشری محسوب می‌شود به‌گونه‌ای که نقش بسیار مهمی در تعالی و سعادت جامعه یا نابودی و زوال آن دارد. انسان به دلیل اینکه موجودی اجتماعی است به ناچار در جامعه زندگی می‌کند و نظام خانواده که کوچکترین واحد اجتماعی است اساس و زیرساخت جامعه محسوب می‌شود، بنابراین نحوه تربیت فرد و آشنایی او با چگونگی زندگی در جامعه و زندگی اجتماعی نقش بسیار مهمی در تعالی جامعه دارد. پس اگر خانواده سالم باشد و به‌عنوان هسته‌ای‌ترین بخش جامعه دارای شاخص‌های مثبتی که برگرفته از آموزه‌های دینی و معنوی و تأمل در زندگی و رفتار بزرگان دین و ائمه‌ی بزرگوار که الگوهایی از خانواده‌های سالم و موفق بوده‌اند باشد، از جمله اعضای آن از آزادی عقیده برخوردار باشد و در آن روحیه استبدادطلبانه و زورگویانه نباشد بلکه در روابط آن‌ها منطبق حاکم باشد، باهم دیگر تبادل عاطفی داشته باشند نسبت به همدیگر خوشبین باشند و اعتماد بر زندگی آن‌ها حاکم باشد به‌گونه‌ای که با صداقت درستی و راستی با همدیگر برخورد کنند حقوق همدیگر را رعایت کنند و وظایف خود را بدون چون و چرا انجام دهند و به نقش‌های همدیگر احترام بگذارند و اینگونه است که با همدیگر به تفاهم می‌رسند در واقع انسان از طریق جامعه‌پذیری شیوه‌های زندگی در جامعه را یاد می‌گیرد تا در جهت آن ارزش‌های که جامعه تعیین کرده حرکت کند. خانواده عامل اصلی جامعه‌پذیری است و اساسی‌ترین نهاد در جامعه‌پذیر کردن افراد است. پس خانواده باعث می‌شود که فرد هنجارها، ارزش‌ها، مهارت‌ها و عقاید و الگوها را برای زندگی اجتماعی بیاموزد. در واقع انسان از طریق جامعه‌پذیری شیوه‌های زندگی در جامعه را یاد می‌گیرد تا در جهت آن ارزش‌های که جامعه تعیین کرده حرکت کند. خانواده عامل اصلی جامعه‌پذیری است و اساسی‌ترین نهاد در جامعه‌پذیر کردن افراد است.

11. Motahari, Morteza, *The Perfect Man*, Sadra Publications, 24th Edition, April 2001
12. Mohaddesi, Javad, *Social Ethics*, Qom, Book Garden, Fifth Edition, March 2003
13. Kamraei, Mohammad Baqir, *The Gift of Minds*, Ketabchi Publications, sixth edition, 1997
14. Hor Ameli, Mohammadi Hassan. (1409). *Shiite means*, Qom, Al-Bayt Foundation,
15. Majlisi, Mohammad Taghi, Baharalanvar, Tehran, Islamic Publications, 1985.
16. Sadeghi, M. and others. (1394). "Developing a healthy family model based on the views of family experts (a qualitative research)". *Family Counseling and Psychotherapy* Chapter. No. 16. Pp. 170-142.

References

- The Holy Quran
Approach to Rhetoric
1. Peykar, Zeinab; Mohammadi, Asghar. (1396). A Comparative Study of the Family from the Perspective of Shahid Motahari and Talcott Parsons, *Islamic Social Research*, Year 23, Issue 4 (115 in a row), (Winter 2017)
 2. Sarukhani, Baqer, *Sociology of Family*, Tehran, Soroush, 2016
 3. Rasouli, Fatemeh. (2016). The role of the family in the development of Islamic lifestyle in society, the fifth national conference on psychology and educational sciences, Shirvan,
 4. Mortazavi, Seyed Jalil (1398). *Quranic Family with a Legal, Psychological and Sociological Approach*, Editor: Morteza Fathollahi, Dar Al-Erfan Publications - 1398
 5. Fallah, Mohammad Javad; Nasim Karnokar (1397). The Functions of Marriage as an Argument for the Morality of Marriage (Quranic Approach), *Journal of Quranic Education* 35 (Winter 1397)
 6. Ayazi, Seyed Ali Naghi, 2016, *Socialization in the Family Based on Quranic Teachings*, National Conference on Family and Emerging Issues, Ahar,
 7. Tabrizi, Mostafa, Dibaian, Shahrzad, Jafari, Forough and others, descriptive culture of family and family therapy, Faravan Publications First Edition, 2006
 8. Dovan Schultz (2005), *Personality Theories*, translated by Yahya Seyed Mohammadi, third edition, Tehran: Editing Publishing Institute.
 9. Ghaemi, Ali (2015), *Disordered Children and Families*, Bija, Publications of the Association of Parents and Educators of the Islamic Republic of Iran
 10. Maadikhah, Abdolmajid (1416), *The Sunset of Nahj al-Balgha*, Qom: Zara Publishing